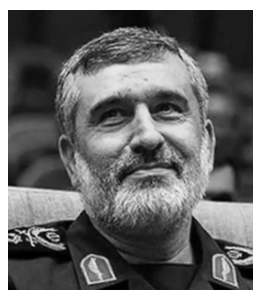




این شماره تقدیم می‌شود به

شهید

امیرعلی حاجی‌زاده



شوک ال ان جی هرمز

ویرانگر تر از بحران نفتی

سرمقاله



وقتی جریان گاز خلیج فارس قطع شود، اروپا نه تنها در تامین گرمایش و برق صنعتی دچار بحران می‌شود، بلکه در بخش هوانوردی نیز زمین‌گیر خواهد شد؛ چرا که حدود ۳۰ درصد از سوخت جت اروپا مستقیماً از مبدأ خلیج فارس تامین شده یا از هرمز ترانزیت می‌شود.

دلیل اصلی ویرانگرتر بودن شوک LNG نسبت به نفت، یک واقعیت تلخ ساختاری است: بازار گاز فاقد «ذخایر استراتژیک» (SPR) عظیمی است که در بازار نفت وجود دارد. وقتی تولید قطر متوقف شود و هرمز مسدود می‌گردد، هیچ شیر اطمینانی وجود ندارد که دولت‌ها بتوانند با باز کردن آن، بازار را آرام کنند. دومینوی گازی خاورمیانه، تنها قیمت‌ها را بالا نمی‌برد؛ بلکه نقشه تجارت جهانی انرژی را بازنویسی می‌کند و اروپا را بار دیگر در برابر دوراهی تلخ خاموشی صنایع یا پذیرش تورم‌های افسارگسیخته قرار می‌دهد. جنگ در هرمز، پیش از آنکه با موشک‌ها سنجیده شود، با انجماد لوله‌های گاز معنا پیدا می‌کند. ♦

اما بحران به اروپا ختم نمی‌شود. همزمان در آسیا، جایی که حدود ۳۰ درصد از واردات LNG غول تشنه‌ای مانند چین به قطر و امارات وابسته است، قیمت‌ها می‌توانند به سقف تاریخی ۲۳.۴۰ دلار به ازای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا (MMBtu) برسند. نتیجه این اختلاف قیمت، شکل‌گیری یک جنگ تمام‌عیار تجاری بر سر محموله‌های آزاد است؛ تا جایی که کشتی‌های حامل LNG در میانه اقیانوس مسیر خود را از اروپا به سمت خریداران دست‌به‌نقدتر آسیایی کج می‌کنند. اروپا بزرگ‌ترین بازنده این بازی ژئوپلیتیک است. قاره سبز که پس از تحریم گاز روسیه، امنیت انرژی خود را روی واردات محموله‌های LNG بنا کرده بود، اکنون در موقعیت «آسیب‌پذیری خاص» قرار دارد. داده‌های مؤسسه مطالعاتی Bruegel نشان می‌دهد که سپر دفاعی اروپا به شدت نازک شده است. اروپا سال ۲۰۲۶ را در حالی آغاز می‌کند که تنها ۴۶ میلیارد مترمکعب ذخیره گازی در اختیار دارد. این رقم در مقایسه با ذخایر ۶۰ میلیارد مترمکعبی در سال ۲۰۲۵ و ذخایر مطمئن ۷۷ میلیارد مترمکعبی در سال ۲۰۲۴، یک زنگ خطر جدی است.

انرژی، بازار با یک شوک ساختاری مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، اعلام «وضعیت فورس ماژور» از سوی غولی مانند QatarEnergy و توقف کامل تولید LNG، یک احتمال روی کاغذ نیست، بلکه نخستین واکنش حقوقی و عملیاتی خواهد بود. بازگشت تولید LNG به مدار عادی برخلاف چاه‌های نفت، فرآیندی بسیار پیچیده است و طبق برآوردهای نهادهای ناظر، حداقل یک ماه زمان می‌برد. افزون بر این، مؤسساتی نظیر Rapidan Energy تاکید دارند که حتی بازسرگیری تولید، صادرات منطقه تا زمانی که «امنیت عبور کشتی‌ها به صورت ۱۰۰ درصدی» تضمین نشود، آغاز نخواهد شد.

■ جهش ۶۳ درصدی و تغییر مسیر کشتی‌ها در میانه اقیانوس

اولین قربانی این توقف، ثبات قیمت‌هاست. در یک سناریوی جنگی در خاورمیانه، قیمت گاز طبیعی در اروپا (شاخص TTF هلند) تنها در هفته نخست می‌تواند جهشی ۶۳ درصدی را تجربه کند؛ اتفاقی که بزرگ‌ترین پرش هفتگی قیمت از زمان حمله روسیه به اوکراین در مارس ۲۰۲۲ محسوب می‌شود.

♦ | هرگاه نام تنگه هرمز به میان می‌آید، ناخودآگاه شبح بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اقتصاد جهانی سایه می‌افکند؛ اما تحلیل‌های جدید از ساختار بازار انرژی نشان می‌دهد که پاشنه آشیل واقعی اقتصاد امروز، نه در بشکه‌های سیاه نفت، بلکه در محموله‌های فوق‌سرد «گاز طبیعی مایع» (LNG) نهفته است. در صورت بروز هرگونه تنش ژئوپلیتیک و انسداد در خلیج فارس، بحران گاز به مراتب «شدیدتر و طولانی‌تر» از شوک نفتی خواهد بود. اما چرا جهان در برابر قطع جریان گاز خلیج فارس تا این حد خلع سلاح و شکننده است؟ حدود ۲۰ درصد از کل تجارت جهانی گاز مایع از تنگه هرمز عبور می‌کند. قلب تپنده این جریان، شبه جزیره قطر است که به تنهایی ۲۰ درصد از عرضه جهانی LNG را بر دوش می‌کشد. ساختار لجستیکی قطر به گونه‌ای است که ۷۵ درصد از تولیدات گاز مایع این کشور هیچ راه فراری جز عبور از باریکه‌ی هرمز ندارند.

بر اساس سناریوهای تحلیلی، در صورت سرایت تنش‌ها و وقوع حملات پهنپادی به تأسیسات

چالش مسیرهای جایگزین نفت

صبر راهبردی ایران برای تداوم انسداد تنگه هرمز، حکومت نظامی ایجاد شده برای سرکوب کردن قیمت نفت را خواهد شکست. بالاخره وعده‌های پوچ نظامیان و سیاستمداران امریکایی و متحدین غربی و همراهان شرقی آنها رنگ خواهد باخت و این حکومت نظامی توسط ایران شکسته خواهد شد.

خطوط نفتی شرق به غرب عربستان متعلق به چند سال قبل است ادعای ظرفیت ۷ میلیون بشکه‌ای خطوط سالخورده‌ای که تاکنون عبوردهی بیش از دو میلیون را تجربه نکرده، ادعایی غیرفنی است. اسکله بارگیری در دریای سرخ نیز حداکثر ۴.۵ میلیون ظرفیت دارد که به ندرت بالاتر از ۲.۵ میلیون استفاده شده است.

پروپاگاندای تامین نفت، چاله سقوط مصرف‌کنندگان نفت و بحران انرژی را هر روز عمیق‌تر می‌کنند، ترتیبات برقرار شده در تنگه هرمز ممکن است در باب المندب هم برقرار شود آنوقت است که شمشیر دور زدن تنگه هرمز غلاف شده یا کند می‌شود.



چشم در برابر چشم

نیروگاه‌های تولید انرژی الکتریکی در رژیم صهیونیستی بر پایه گاز طبیعی می‌باشد. ورودی یا سوخت بیشتر نیروگاه‌ها گاز طبیعی هست. در بعضی از نیروگاه‌ها از ذغال سنگ نیز استفاده می‌شود.

این رژیم دارای ۶ نیروگاه با ظرفیت بیش از ۱۰۰۰ مگاوات است که با تقریب خوبی بیشترین حجم تولیدات برق در این رژیم را برعهده دارند. و ستون فقرات اصلی تولید انرژی الکتریکی در این رژیم هستند.

همچنین این رژیم دارای ۵ نیروگاه با ظرفیت بیش از ۵۰۰ مگاوات هست که به لحاظ اهمیت و حیاتی بودن در درجه دوم قرار دارند می‌توان مجموع این ۱۱ نیروگاه (جدول انتها) که ظرفیت تولید بیش از ۵۰۰ مگاوات دارند را به عنوان منابع استراتژیک و حیاتی برای تولید انرژی الکتریکی در این منطقه معرفی کرد. اختلال و خرابی در یک یا چند از این نیروگاه‌های معرفی شده می‌تواند باعث ناپایداری و نوسانات ناخواسته و غیر قابل کنترل در شبکه انرژی الکتریکی برق رژیم شود و در صورت کاهش قابل توجهی از تولیدات ناگهانی در شبکه می‌تواند باعث جزیره‌ای شدن شبکه، آسیب به نیروگاه‌های سوخت فسیلی دیگر که حتی جزو اهداف نبودن و یا در حالت بحرانی باعث Black Out بشود، که برای شبکه برق اتفاق بسیار ناگوار پر خسارتی است.

Black Out یا خاموشی سراسری و گسترده شبکه برق؛ حالتی در شبکه برق است که از عوامل وقوع آن از دست رفتن ناگهانی تعدادی قابل توجهی از منابع تولید انرژی (تخریب آن‌ها) و یا هک شدن مرکز دیسپاچینگ برق است. در این حالت برق بخش عمده و یا کل یک منطقه به طور کامل قطع خواهد شد و خارج کردن شبکه از این حالت کار راحتی نیز نمی‌باشد.

بنابراین این ۱۱ نیروگاه گزینه‌های مناسبی برای ایجاد خسارت‌های غیر قابل جبران و ایجاد خاموشی مطلق در شهرهای مهم که به راحتی قابل جبران نیست در رژیم صهیونیستی هستند.

همچنین نیروگاه‌هایی برای پشتیبانی و یا خروج از حالت خاموشی مطلق به کار گرفته می‌شوند که به این فرایند Black Start گفته می‌شود. که با استفاده از نیروگاه‌های پشتیبان، یا دیزل ژنراتورها و یا نیروگاه آبی استفاده می‌شود. بنابراین این نیروگاه‌ها نیز می‌تواند در قدم بعدی گزینه‌های مناسب برای اهداف باشند. نکته مهم و قابل توجه این است که نیروگاه‌های با ظرفیت بالا در این منطقه بر پایه گاز طبیعی هستن و وابستگی زیادی به گاز طبیعی دارند. رژیم دارای تعداد قابل توجهی نیروگاه خورشیدی با پراکندگی بالا هست که شبکه‌های محلی را تشکیل داده و به لحاظ استراتژیک فاقد اهمیت می‌باشد، زیرا انرژی های تجدید پذیر به خودی خود ناپایدار هستند و به دلیل پراکندگی جغرافیایی که دارند اهداف پر هزینه ای هستند.

تنگه هرمز؛ از شوک انرژی تا بحران زیستی جهان



با گذشت سیزده روز از آغاز درگیری نظامی میان ایران، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، جهان با واقعیتی تازه و بی‌سابقه روبه‌روست: تنگه هرمز، شریان حیاتی انرژی زمین، همچنان بسته است. اگرچه محور اصلی خبرها پیرامون جهش قیمت نفت تا مرز ۱۲ دلار و نگرانی از عبور آن از سقف ۱۵۰ دلار می‌چرخد، اما در عمق ماجرا مسئله‌ای بسیار فراتر از نفت جریان دارد – مسئله‌ای که با امنیت غذایی، فناوری و حتی حیات صنعتی تمدن امروز گره خورده است.

هر روز حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت، مقادیر عظیمی گاز طبیعی مایع (LNG)، متانول، آمونیاک، پلیمر و گوگرد از این گذرگاه عبور می‌کردند. اکنون این ارقام به صفر نزدیک شده‌اند.

بیش از ۹۲ درصد گوگرد جهان، که محصول جانبی پالایش نفت و گاز است، از مسیر خلیج فارس و عمدتاً هرمز وارد چرخه جهانی می‌شود. گوگرد همان

ماده‌ای ست که از آن اسید سولفوریک به دست می‌آید – پرمصرف‌ترین ماده شیمیایی تولیدی بشر. بدون اسید سولفوریک، استخراج مس و کبالت متوقف می‌شود؛ دوفلز بنیادین برای ترانسفورماتورهای برق، باتری خودروهای برقی و زیرساخت‌های مراکز داده. به زبان ساده، نبود گوگرد یعنی توقف در قلب صنعت دیجیتال و انرژی نو. هم‌زمان، بیش از یک‌سوم خوراک تولید کودهای نیتروژنی جهان نیز از همین مسیر عبور می‌کند. این کودها مستقیماً به زنجیره غذا متصل اند و نیمی از انسان‌های روی زمین از محصولاتی تغذیه می‌کنند که رشد آن‌ها وابسته به کودهای نیتروژنی است. در کشوری چون آمریکا، کشاورزان آبیووا می‌گویند هزینه کود در عرض دو هفته چند برابر شده است؛ هشدار ی از آغاز بحران غذایی زنجیره‌ای.

بسیاری تصور می‌کنند بحران، صرفاً به نفت مرتبط است. اما وابستگی جهانی به فراورده‌های فرعی آن به مراتب خطرناک‌تر از شوک قیمتی بنزین است. متانول، آمونیاک و پلی اتیلن، مواد اولیه صنعت شیمی، داروسازی، پلاستیک، تکنولوژی نیمه‌هادی و هزاران محصول روزمره‌اند. توقف تأمین این مواد خام به معنای تعطیلی کارخانه‌ها، ورشکستگی صنایع و بروز تورمی ساختاری در سطح بین‌المللی است. گزارش‌های به‌روز از بازارهای جهانی نشان می‌دهند که حتی زغال‌سنگ – متبعی که جهان سال‌ها در پی کنار گذاشتنش بود – بار دیگر به پناهگاه اضطراری صنایع تبدیل شده است.

به موازات آن، قیمت نفت خام برنت با وجود آزادسازی بی‌سابقه ۴۰۰ میلیون بشکه از ذخایر راهبردی، همچنان صعودی است. از نگاه تحلیلگران انرژی، این اقدام نه‌تنها باعث آرامش بازار نشده بلکه تصور طولانی‌بودن بحران را تقویت کرده و روان جامعه سرمایه‌گذاری را ناآرام‌تر ساخته است.

در چنین شرایطی، کنترل ایران بر تنگه هرمز صرفاً یک مزیت ژئوپلیتیکی نیست؛ بلکه اهرم تعیین‌کننده‌ای

در نظم اقتصادی جهان به حساب می‌آید. جهان امروز به وضوح با این واقعیت روبه‌روست که هیچ سامانه جایگزینی برای این گلوگاه وجود ندارد. مسیرهای عراق، عربستان یا خط لوله‌های شرقی، ظرفیت و امنیت عبور معادل را ندارند.

از منظر راهبردی، ایران با حفظ موقعیت خود در هرمز، نه‌فقط عامل افزایش قیمت یا کاهش عرضه، بلکه تعیین‌کننده تراز قدرت انرژی جهان است. تا زمانی که این معبر بسته بماند، نظم موجود انرژی در حال بازتعریف است و کشورهایی که پیش‌تر تصور خودکفایی داشتند، اکنون در برابر منبع واحد وابستگی زانو زده‌اند.

از همین زاویه، باید گفت مسئله هرمز فقط معادله‌ای نفتی نیست، بلکه ترجمان واقعی واژه «قدرت حیاتی» است؛ قدرتی که می‌تواند مسیر بازی جهانی انرژی، فناوری و حتی امنیت غذایی را برای سال‌های پیش رو مشخص کند.

جهش ۳۰ دلاری قیمت نفت در ۲ هفته!

قیمت نفت برنت در ۱۴ روز جنگ رمضان و با وجود همه دستکاری‌ها، دروغ‌پراکنی‌ها و آزادسازی مخازن نفت بیش از ۳۰ دلار افزایش یافته. قیمت هر بشکه نفت برنت، در آخرین روزی کار قبل از آغاز جنگ ۷۲.۸۷ دلار بود و دیروز به ۱۰۳.۱۴ دلار رسید.

حمله به خارک در روز تعطیل!

در خارک همه ۵۵ مخزن نفتی سالمند و صادرات نفت برقرار. ترامپ تهدید کرده این باز زیرساخت نفتی را می‌زند! اما او حتی به اهداف نظامی خارک نیز در روز تعطیل حمله کرد، مبادا قیمت نفت جهش یابد!

پایانه نفتی فجیره دوباره منفجر شد

پایانه نفتی فجیره در امارات توسط چندین پهپاد مورد حمله قرار گرفته و ستون‌های بزرگی از دود از این تأسیسات دیده می‌شود.

صادرات صفر از خارک، یعنی تورم بیشتر برای مردم آمریکا

تصرف خارک صادرات نفت ایران را متوقف خواهد کرد – اما این به معنای حذف مقدار بیشتری نفت از بازار جهانی است که باعث افزایش بیشتر قیمت نفت و تورم برای مصرف‌کنندگان آمریکایی می‌شود.

صدام نتوانست، ترامپ هم نخواهد توانست

محمد عنایتی کارشناس اقتصادی: جزیره خارک برای ۲۰۰۰ و یکمین بار بمباران شد. قبل از ترامپ، صدام، خارک را ۲۰۰۰ بار بمباران کرده بود. اما بنابر اسناد صادرات نفت از ترمینال بین‌المللی خارک، در طول ۸ سال جنگ، نه تنها فروش نفت صفر نشد، بلکه میانگین روزانه حدود ۱.۵ میلیون بشکه را نیز به ثبت رساند.

خبرخوان

